

«بگذار فکر کنم: آیا من همانی هستم که امروز صبح از خواب بیدار شدم؟ تا حدودی می‌توانم به یاد بیاورم که کمی متفاوت بود. و اگر همان نیستم؛ سؤال دیگر این است که اساساً چه کسی هستم؟ آه، معمای بزرگی است!» این همان سؤالی است که بار تعامی رمان لوئیس کارول، *آلیس در سرزمین عجایب* را به دوش می‌کشد. این رمان قرن نوزدهمی، به وضوح، حاصل گذار از سال‌های بلوغ انسان عصر مدرن را که با عصر نوزایی (رُنسانس) آغاز و قرن به قرن پرتنگ‌تر شد، به چالش هویتی می‌کشد: از تک‌گویی تردیدآمیز و مشهور بودن یا نبودن در هملت تا سرگذشت *گوگوار سامسا* در مسخ — که سرنوشت دردآلودی را برایش رقم زد.

*آنا گسکل*<sup>۱</sup>، عکاس آمریکایی، با مجموعه *شگفتی*<sup>۲</sup> خود را به جهان عکاسی معرفی کرد. این مجموعه، چه به خاطر نام و چه به خاطر مضمون، تحت تأثیر رمان *آلیس در سرزمین عجایب* است. این رمان شرح حالی رمزی است که به سنت هزارویک شب، جهان‌های تودرتویی را به تصویر می‌کشد. *لوئیس کارول*، چه در این رمان و چه در ادامه‌ی بر آن — *از میان آینه*<sup>۳</sup> — پا به جهانی نامحسوس می‌گذارد. اگرچه می‌توان این جهان را به سادگی جهانی خیالی خواند، اما چنین نامگذاری خود تا حدی ساده‌انگارانه خواهد بود. *آلیس در سرزمین عجایب*، یک رؤیاست، آن هم در معنای روانکاوانه‌اش؛ به این معنا که آنچه ناخودآگاه *آلیس* را به عنوان نماینده‌ی از روح عصر می‌آزارد، در خواب او به صورت پرسش‌های بنیادین طرح می‌شوند و گاه تا حد کابوسی بی‌پایان ادامه می‌یابند. او وضعیتی نامتعادل را تجربه می‌کند، وضعیتی که با ترجمه به زبان ناخودآگاه تغییر اندازه‌های پی‌درپی‌اش را به همراه دارد. *ژیل دلوز*، در جای درباره‌ی این اثر می‌نویسد: «آثار او برای خواننده‌ی معاصر نوشته شده‌اند: کتاب‌هایی برای کودکان، در ستایش دخترکان، با واژگانی باشکوه؛ آثاری باطنی، رمزی یا رمزگان و رمزگشایی، با طرح‌ها و عکس‌ها، با محتوای روانکاویک ژرف، منطق صوری و مثال‌های زیباشناسیک. لذتی که امروز از این کتاب می‌بریم، اما فراتر از این همه می‌رود، لذتی است که از بازی میان معنا و بی‌معنایی برمی‌خیزد. از تقابل آشوب و نظم فراگیر.»<sup>۴</sup>

هرچند «امروز» مورد اشاره در متن فوق به سال نوشتن آن از سوی *دلوز* — ۱۹۶۹ — اشاره دارد، اما می‌توان به روشنی رد پای چنین تأویلی را در مجموعه *آنا گسکل* جست و آن را تا آستانه‌ی قرن بیستویکم تعمیم داد. موقعیت دخترکان درون تصویر — در این مجموعه — موقعیتی پیچیده است. *گسکل* به هیچ وجه در محدوده‌ی تصویرسازی یک رمان باقی نمی‌ماند و سعی در واشکافی بحرانی دارد که بیش از یک قرن از زمان طرح آن، از سوی *لوئیس کارول*، می‌گذرد. بحران هویت به معنای حقیقی در این تصاویر نمود یافته است. اگر به واژه‌ی هویت در مفهوم روانکاوانه‌اش توجه کنیم درمی‌یابیم که این واژه نسبت‌های درستی با رابطه‌ی خود و دیگری دارد. به این ترتیب فرد به واسطه‌ی یافتن من برون‌ی تلاش می‌کند خویش خویش را بیابد و واکاوی کند. چنین رویکردی را حتا در معنای دوگانه‌ی این واژه در زبان عربی هم می‌توان جستجو کرد: از یک سو به معنای مجموعه *عواملی* که درستی شخصیت کسی را به اثبات می‌رساند و از دیگر سو به معنای *چاه عمیق*<sup>۵</sup> است، چاهی که انعکاس تصویر بیننده در آن نه خیلی نزدیک است که فرد خود را بازشناسد و نه خیلی دور که تصویری به چشمش نیاید. این فاصله همی ایجاد می‌کند که نتیجه‌اش توهم حضوری ثانویه است. *گسکل* در یکی از تصاویر، دو دختر همسان را کنار هم قرار داده است که روی چمن خوابیده‌اند. این صحنه به نوعی یادآور نخستین و افسین فصل رمان است؛ جایی که *آلیس* و خواهرش روی چمن کنار هم نشستند و او (*آلیس*) که گاه به کتابی که خواهرش می‌خواند نگاه می‌دزدانه می‌اندازد. *آلیس* در این صحنه به خواب می‌رود و داستان آغاز می‌شود. و در فصل آخر — زمانی که از خواب بیدار می‌شود — باز هم روی چمن و در کنار خواهرش است. با مقایسه‌ی تصویر یادشده و تصویری که رمان ارائه می‌کند می‌توانیم به افکار *گسکل* نزدیک شویم: *آلیس* درون تصویر در کنار خودش دراز کشیده است. هر دوی آنها به خواب رفته‌اند. اگر یکی از این خودها را خود حقیقی بنامیم، دیگری خود برون‌ی خواهد بود، که این بار — در مقایسه با رمان — جای خواهرش را گرفته است. حال این خود برون‌ی را در کالبد رمان قرار دهید. نتیجه این می‌شود: *آلیس*، روی چمن‌ها نشسته است و کتاب می‌خواند. او خسته است و در لحظه‌ی کوتاه، در مرز خودآگاه و ناخودآگاه، قرار می‌گیرد. به این ترتیب، ناخودآگاه *آلیس* بدل به شخصیتی مستقل می‌شود و خودآگاه *آلیس* در جای خواهری می‌نشیند که در حال خواندن کتابی خسته‌کننده است. کتابی که به گفته‌ی ناخودآگاه او — همان طور که در رمان آمده است — نه تصویری دارد و نه گفت‌وگویی! به زبانی دیگر: آنچه در رمان آمده، برون‌ریز ناخودآگاه فردی است که در درونش با شکاف شخصیتی مواجه شده — شکافی که حاصل دوران گذار است — و این شکاف تا حدی پیش رفته است که ما آن دو را دو شخص مستقل می‌انگاریم.

پی‌نوشت

1. Des Moines, Iowa
2. Art Institute of Chicago
3. Bennington College
4. Yale University
5. *Alice's Adventures in Wonderland*, Lewis Carroll, Grosset&Dunlap publishers New York, 1968, p.13
6. Anna Gaskall
7. Wonder 1996 -97
8. *Through The Looking-Glass (And What Alice Found There*

۹. به نقل از: ساختار و تأویل متن / بابک احمدی — تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰، ص ۴۸۶. (*Logique de sens*, G. Deleuze, Paris, 1969, p.122).

۱۰. فرهنگ لاروس (عربی — فارسی)، ترجمه سید حمید طبیبیان — تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷.



## سقوط در گودال خرگوش

علی اتحاد / [bidadt@yahoo.com](mailto:bidadt@yahoo.com)

آنا گسکل، در بیست و دوم اکتبر ۱۹۶۹ و در دس موینس آیووا<sup>۱</sup> به دنیا آمد. او پیش از ورود به مؤسسه هنر شیکاگو<sup>۲</sup> و دریافت مدرک کارشناسی، به مدت دو سال، در دانشکده بنینگتون<sup>۳</sup>، به ادامه تحصیل پرداخت. وی در ۱۹۹۵، مدرک کارشناسی ارشدش را از دانشگاه ییل<sup>۴</sup> دریافت کرد و از ۱۹۹۶ به بعد کار روی نخستین مجموعه حرفه‌ای‌اش را آغاز کرد. نخستین نمایشگاه انفرادی آنا گسکل، در گالری کیسی کاپلان نیویورک، در ۱۹۹۷، برگزار شد.

